

مبانی فقهی تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی

□ سید سخنی داد موسوی *

چکیده

مال و ثروت بی تردید از اسباب مهم آسایش و رفاه و بطور کلی بقا و تداوم حیات انسانهاست، به همین دلیل بیشترین تلاشهای بشری معطوف بر جمع آوری مال و امکانات مادی است. مسأله‌ای مهم در این رابطه، چگونگی بدست آوردن ثروت است، بخصوص که عوامل متعددی آدمیان را برای مال اندوزی فزونی‌تر به تکاپو و رقابت وامی‌دارند. چالش‌هایی همچون رعایت نشدن احکام شرعی و معیارهای اخلاقی در فعالیتهای اقتصادی، ثروت اندوزی با انگیزه‌های ناصواب و جمع آوری مال از راه‌های نامشروع تحقیق در باره این مسأله را اجتناب ناپذیر می‌سازد. این کاستی‌ها موجب انباشت سرمایه توسط شماری سودجو، فقر و محرومیت طبقات ضعیف، رکود، گسترش فحشا و منکرات، شیوع خیانت و بی‌اعتمادی، ترویج روحیه دنیاپرستی و مواردی از این قبیل می‌گردد. لذا لازم است مبانی کسب ثروت به عنوان یک مسأله مهم و مورد ابتلای جامعه مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، پرسش مهم این است که مبانی فقهی تشویق به کسب ثروت حلال در جامعه اسلامی کدام اند؟ این پژوهش مسأله فوق را از منظر فقهی و با روش تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. با تفحص در ادله و بررسی دیدگاههای فقیهان این نتیجه بدست آمد که در هر نوع فعالیت که هدف از آن کسب ثروت باشد، رعایت مبانی و معیارهای شرعی واجب است و براین اساس، مال اندوزی با انگیزه‌های ناصواب و کسب ثروت از راه‌های نامشروع جایز نیست.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، کسب ثروت، علم و دانش، حرفه‌آموزی، کار و تلاش، احکام شرعی.

* دانش آموخته دکتری جامعه المصطفی ص العالمیه افغانستان.

مقدمه

انسان موجودی جاندار است و بطور طبیعی برای تأمین نیازهای زندگی و تداوم حیات خود به ثروت و امکانات مادی نیازمند است. افزون بر آن، عوامل دیگری مانند مال دوستی و زیاده‌خواهی، محدودیت منابع، افزایش جمعیت، مشکلات اشتغال و معیشت و مسائلی از این دست، آدمیان را برای جمع‌آوری مال و ثروت به رقابت وامی‌دارند. البته در این میان ممکن است محدود افرادی با تفکر صوفیگری و میل به رهبانیت نسبت به مال دنیا نگاه تحقیر آمیز داشته و برای آن ارزش چندانی قائل نباشند.

با توجه به این واقعیت‌ها، در رابطه با کسب ثروت چالش‌ها و مشکلات بسیاری را می‌توان برشمرد که نشأت گرفته از انگیزه‌ها، دیدگاه‌ها و روش‌های متضاد با آموزه‌های دین اسلام اند؛ بدین‌صورت که شماری از افراد، تحصیل ثروت و دست‌یابی به رفاه مادی را با زهد اسلامی در تنافی می‌پندارند و یا به دلیل این که خداوند رزق بندگان را تضمین کرده کار و تلاش برای کسب روزی را لازم نمی‌دانند. در مقابل، بسیاری کسانی که با حرص و طمع و زیاده‌خواهی از راه‌های حرام مانند دزدی، ربا خواری، قاچاق، تولید و فروش مواد مخدر، احتکار، کم‌فروشی، خیانت در بیت‌المال، رشوه خواری و روش‌های نامشروع دیگر ثروت اندوزی می‌کنند. البته بر خلاف دو گروه اول، شمار زیادی از مردم به خاطر رفع نیازهای زندگی، کمک به هموعان و انفاق در راه خدا از طریق کار و تلاش و فعالیت‌های مفید و مشروع به کسب مال حلال می‌پردازند.

اسلام با افراط و تفریط مخالف است و نسبت به کسب ثروت مثل همه امور دیگر نگاه متعادل دارد، بدین معنا که از یکسو درآمد مالی را برای تأمین مخارج زندگی انسان‌ها لازم و ضروری می‌داند و از سوی دیگر کسب مال را بدون رعایت احکام شرعی و با هدف زران‌دوزی، تفاخر و سوء استفاده از ثروت جهت رسیدن به امیال نفسانی جایز نمی‌شمارد. بنابراین، لازم است مبانی و معیارهای کسب ثروت از دیدگاه اسلام واکاوی شود.

در منابع اسلامی، مال و ثروت به دلیل این که در کیفیت زندگی و نسل انسان در جهان مادی و سعادت و شقاوتش در عالم پس از مرگ نقش اساسی دارد، بسیار مورد توجه بوده و

مطالب فراوانی در باره آن بیان شده است. به همین جهت بخش قابل توجهی از مباحث فقهی که در کتابها و ابواب مختلف فقه مطرح شده مانند کتاب البیع، کتاب الرهن، کتاب التجاره، کتاب الاجاره، کتاب الوکاله، کتاب المساقاه، باب الهبه، باب القرض و ... به انواع معاملات، داد و ستدها، مشاغل و کسب و کارهای مختلف و بطور کلی فعالیتهای اقتصادی از حیث تولید، توزیع و مصرف، اختصاص یافته است. از لابلای مباحث و مسائل مطرح شده می توان ضوابط و معیارهای بدست آوردن مال حلال را استخراج و به شکل منسجم تر ارائه کرد. لذا، در این پژوهش تلاش شده است مبانی تشویق به کسب ثروت حلال از منظر فقهی مورد بررسی قرار گیرند.

مبانی کسب ثروت حلال در اسلام

الف) اصلاح بینش نسبت به کسب ثروت

در رابطه با کسب ثروت و بطور کلی فعالیت هایی که برای انسان منفعت مادی به همراه دارد، با توجه به آنچه که در منابع اسلامی ذکر شده سه دیدگاه کلی قابل ترسیم است:

دیدگاه اول: بی اعتنائی نسبت به کسب ثروت

ممکن است برخی افراد با این پندار که مسلمانان بر اساس تعالیم اسلام به زهد و بی اعتنائی به مظاهر دنیوی توصیه شده اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/ ۶۵)؛ و یا با این توجیه که رزق هرکس از سوی خداوند تضمین شده است (کلینی، همان: ۸۴)؛ خود را از کسب ثروت بی نیاز بدانند، یا حتی آن را با آموزه های اسلام ناسازگار تلقی کنند؛ بخصوص که در روایات، ثروت زیاد از علت های اصلی کثرت گناهان به شمار رفته است. بطور مثال امام صادق علیه السلام فرموده است: «و بدان که دنیا دوستی آغاز هر فتنه ای است و به ثروت زیاد هیچ کس غبطه مبر، چرا که با فرون شدن مال گناهان نیز زیاد خواهد شد» (کلینی، همان: ۲/ ۱۳۵).

نقد این دیدگاه

در بینش اسلامی هدف از کسب ثروت، تهیه رزق حلال و تأمین نیازمندیهای زندگی از راه کار

و تلاش بر اساس معیارها و احکام شرع مقدس اسلام است؛ اما معنای اهمیت ندادن به ثروت و بی ارزش دانستن آن، در حقیقت تشویق به تبلی و بیکاری و کسب مال از راه‌های نامشروع است، چرا که آدمیان برای زنده ماندن و زندگی کردن به وسائل و امکانات مادی نیاز دارند؛ اگر مایحتاج خود را از طریق فعالیت‌های مفید و با تلاش و کوشش بدست نیاورند، چاره‌ای دیگری غیر از روی آوردن به راه‌های تحقیر آمیز و نامشروع باقی نمی‌ماند. ابن عباس می‌گوید: «هرگاه رسول خدا ﷺ به مردی نگاه میکرد و از وی خوشش می‌آمد، می‌فرمود: آیا شغلی هم دارد؟ اگر می‌گفتند، بیکار است، می‌فرمود: از چشمم ساقط شد. عرض می‌شد، یا رسول الله برای چه از چشم شما افتاد؟ می‌فرمود: مؤمن وقتی بیکار باشد، دین خود را اسباب معیشت قرار می‌دهد (مجلسی، ۱۴۱۰: ۹/۱۰۰).

در آموزه‌های اسلام، هرگز مال و ثروت فی نفسه مذموم شمرده نشده و فقر و محرومیت ارزش به حساب نیامده و انسان‌ها به اجتناب از نعمتهای مادی ترغیب نشده‌اند؛ بلکه دلایل بسیاری بر کسب ثروت و جواز بهره‌مندی از مواهب الهی دلالت دارند که در بیان دیدگاه سوم به آنها اشاره خواهد شد.

دیدگاه دوم: بی‌پروایی در کسب ثروت

شماری از مردم با سهل انگاری و بی‌پروایی، ثروت اندوزی را از هر راهی که امکان داشته باشد، جایز می‌شمارند؛ مانند قاچاق، تولید و خرید و فروش آلات قمار، مشروبات مسکر، گرانفروشی، احتکار، تقلب در معاملات، رشوه خواری و موارد بی شمار دیگر که امروزه افراد زیادی از این راه‌های نامشروع کسب ثروت می‌کنند.

نقد این دیدگاه

دیدگاه فوق بطور قطع مستلزم کسب مال حرام از راه‌های نامشروع و مصداق اکل مال به باطل است و در قرآن شریف، مردم بطور مکرر از آن نهی شده‌اند، چنانکه فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید.

بعلاوه، بی‌پروایی در کسب ثروت موجب انباشت سرمایه و زراندوزی است و خداوند متعال زراندوزان را به عذاب دردناک بشارت می‌دهد و می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه: ۳۴)؛ و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده!

کلمه "کنز" به معنای روی هم نهادن مال و نگهداری آن است و بر این اساس "یکنزون" در آیه فوق به معنای انباشتن و ذخیره کردن است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵/۳۲۲؛ راغب، ۱۴۱۲: ۷۲۷). با توجه به مفاد این آیه، سرمایه‌های مازاد بر مخارج زندگی مردم باید در تولید بکار گرفته شوند که بهترین نوع انفاق در جهت حمایت از محرومان جامعه است. تردیدی نیست که از بزرگترین چالش‌های امروز جوامع بشری کمبود شغل است. بیکاری مردم را به سمت مشاغل کاذب و کارهای ناروا سوق می‌دهد. از این رو، ایجاد شغل و رونق بخشیدن به تولید، می‌تواند گره گشای مشکلات شغلی و معیشت مردم باشد. بنابراین، "کنز" بدترین خیانت به جامعه است، چون در گسترش فقر که منشأ بسیاری از فسادهاست، نقش اساسی دارد. از نظر فقهی نیز راکد نگه داشتن منابع ثروت جایز نیست و اسراف است (خمینی، ۱۴۲۴: ۱/۱۳۹). مرحوم علامه طباطبائی^۱ در ذیل آیه فوق گفته است:

نهی آیه شریفه نهی از داشتن پول نیست، بلکه نهی از حبس آن است، چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزارها برابر آن دفینه ثروت می‌داشت ولی آن را حبس نمی‌کرد، بلکه آن را در معرض جریان قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۹/۳۳۴).

پیامدهای‌های اجتماعی و سیاسی بی‌اعتنایی و بی‌پروایی در کسب ثروت

در یک نگاه کلی دیدگاه اول و دوم بدین‌صورت نیز قابل نقد است که: مذموم پنداشتن ثروت، یا سهل‌انگاری و بی‌پروایی در کسب مال از راه‌های نامشروع، موجب بیکاری، گسترش فقر، فساد و اختلال نظام می‌شود. مرحوم علامه طباطبائی^۱ درباره نقش اقتصاد در جامعه می‌گوید:

مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده، و ما اگر انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم و به جستجوی علت آن پردازیم خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی است که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم‌کشی، گرانفروشی، کم‌فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می‌کند، و یا ثروت بی حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی در خوردن، نوشیدن، پوشیدن، تهیه سکنی و همسر، و بی بند و باری در شهوات، هتک حرمتها، شکستن قرقها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی‌دارد؛ و همه این مفاسد که از این دو ناحیه ناشی می‌شود هر یک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد، نظامی که باید حیات اموال و جمع‌آوری ثروت و احکام مجعول برای تعدیل جهات مملکت و جدا ساختن آن از خوردن مال به باطل را ضمانت کند، وقتی این نظام مختل گردد و هر کس به خود حق دهد که هر چه بدستش می‌رسد تصاحب کند، و از هر راهی که برایش ممکن باشد ثروت جمع نماید قهراً سنخ فکرش چنین می‌شود که از هر راهی که ممکن شد باید مال جمع‌آوری کرد چه مشروع و چه نامشروع، و بهر وسیله شده باید غریزه جنسی را اقناع و اشباع کرد چه مشروع و چه نامشروع، و هر چند به جاهای باریک هم بکشد. و پر واضح است که وقتی کار بدینجا بکشد شیوع فساد و انحطاطهای اخلاقی چه بلانی بر سر اجتماع بشری درمی‌آورد، محیط انسانی را به صورت یک محیط حیوانی پستی درمی‌آورد که جز شکم و شهوت هیچ همی در آن یافت نمی‌شود، و به هیچ سیاست و تربیتی و با هیچ کلمه حکمت‌آمیز و موعظه‌ای نمی‌شود افراد را کنترل نمود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹/ ۳۳۲-۳۳۱).

علاوه بر آن، با گسترش فقر دولت مجبور خواهد بود بخش زیادی از درآمدهای خود را صرف کمک به مردم کند، که در اینصورت برای طرح‌های زیربنایی بودجه کافی باقی نمی‌ماند و در نتیجه آهنگ پیشرفت کند می‌شود. بدتر این که اگر دولت نتواند محرومان را که اکثریت مردم جامعه را تشکیل می‌دهند، مورد حمایت قرار دهد، نارضایتی اجتماعی و گسست میان مردم و دولت پدید می‌آید.

از زوایه دیگر، یکی از بدترین تبعات این دیدگاه‌ها، ضعیف شدن مسلمانان از نظر اقتصادی است. استاد مطهری در کلامی که ناظر بر این دو دیدگاه می‌باشد، فرموده است: «دو چیز مانع رشد ثروت است: یکی حبس و توقیف مواد اولیه معیشت که عمل سرمایه‌دارهاست و یکی حبس و متوقف ساختن فعالیت که عمل اشتراکیون است» (مطهری، بی‌تا: ۵۵۲/۲۰). بدیهی است که نتیجه قهری حبس ثروت و توقف فعالیت، ضعف اقتصادی است و آن هم، وابستگی به اجانب و نفوذ کفار بر مسلمانان را بدنبال دارد؛ اما «اسلام می‌خواهد که غیر مسلمان در مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیر مسلمان دراز نباشد، و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی و لو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد اسیر و برده او است، علی‌علیه می‌فرماید: «محتاج هرکه شوی اسیر او خواهی بود» (ریشه‌ری، ۱۴۱۶: ۱/۶۴۱)؛ اگر ملتی کمک خواست و ملتی دیگر کمک داد خواه ناخواه اولی برده و دومی آقاقت. چقدر جهالت و حماقت است که آدمی ارزش سلامت بنیه اقتصادی را دریابد و نفهمد اقتصاد مستقل، از شرایط حیات ملی است» (مطهری، بی‌تا: ۴۰۶-۴۰۵).

اسلام هرگز ضعف و ذلت را در شأن مسلمانان روا نمی‌دارد، بلکه می‌خواهد آنان عزیز و سربلند باشند. در قرآن می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: «الْإِسْلَامُ يَغْلُوا وَلَا يَغْلَى عَلَيْهِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۳۳۴)؛ اسلام بالا می‌رود و چیزی بر اسلام برتری پیدا نمی‌کند.

عزت و برتری باید همه جانبه و از جمیع جهات باشد که یکی از مهمترین آنها توانمند بودن از لحاظ اقتصادی است و گرنه ضعف در این عرصه ابزاری برای باج‌خواهی و به زانو در آوردن مسلمانان خواهد شد. در صدر اسلام، مشرکان قریش با تحریم اقتصادی می‌خواستند پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش را به تسلیم وادار کنند. امروز نیز تحریم اقتصادی یکی از اهرم‌های فشار بر مسلمانان است و قابل انکار نیست که این تحریم‌ها مشکلات بسیاری برای جامعه اسلامی پدید آورده است.

از منظر فقهی اگر ضعف اقتصادی موجب برتری و تسلط کفار بر جامعه اسلامی شود، بر مسلمانان واجب خواهد بود که خود را از این جهت توانمند سازند. یکی از مصادیق "قوه" در آیه شریفه ذیل که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)؛ قوی شدن از بعد اقتصادی است؛ همانگونه که برای مقابله با دشمنان تهیه ابزار و لوازم جنگی واجب است، تقویت اقتصاد از راه کار و تلاش و رونق بخشیدن به تولید و اشتغال نیز واجب است و گرنه با فقر و ضعیف بودن بنیان‌های اقتصاد جامعه اسلامی، مقابله با دشمنان بسیار دشوار خواهد بود.

دیدگاه سوم: کسب ثروت برای تأمین نیازهای زندگی و رسیدن به سعادت اخروی

بر اساس آموزه‌های اسلام، ثروت، وسیله‌ای برای زندگی عزتمندانه و نردبانی برای تکامل معنوی انسان است و اسلام نه تنها با آن مخالفتی ندارد، بلکه کسب ثروت از راههای مشروع برای تحقق این اهداف والا را لازم و ضروری می‌داند. دلایل بسیاری در این زمینه قابل استناد اند که بطور نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

آیات قرآن

خداوند سبحان در آیات متعدد قرآن کریم از خلقت و تسخیر آسمانها و زمین و دریاها برای بهره‌مندی انسان از نعمتهای الهی سخن گفته است، چنانکه می‌فرماید:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (ابراهیم: ۳۲)؛

خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی نازل کرد؛ و با آن، میوه‌ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد؛ و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نه‌رها را مسخر شما نمود.

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً (لقمان: ۲۰)؛ آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده، و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی

داشته است؟!

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ (جائیه: ۱۲)؛ خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها بفرمانش در آن حرکت کنند و شما بتوانید از فضل او بهره‌گیرید، و شاید شکر نعمت‌هایش را بجا آورید!

دلالت این آیات بر جواز بهره‌برداری از مواهب و نعمت‌های الهی بسیار واضح است و گر نه خلقت آنها عبث و بی‌فایده تلقی خواهد شد که با حکمت خداوند سازگار نیست. در دسته‌ای دیگر از آیات قرآن کریم که تعداد آنها به بیست آیه می‌رسد خداوند متعال بصراحت انسانها را به خوردن و آشامیدن و بهره‌برداری از نعمت‌هایی که در اختیار آنها قرار داده فرمان می‌دهد. بطور نمونه در آیات ذیل فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید!

كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (بقره: ۶۰)؛ از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ اتُّوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام: ۱۴۱)؛ اوست که باغ‌های معروش [باغهایی که درختانش روی داربست‌ها قرار دارد]، و باغهای غیر معروش [باغهایی که نیاز به داربست ندارند] را آفرید؛ همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند؛ و (نیز) درخت زیتون و انار را که از جهتی با هم شبیه و از جهتی تفاوت دارند؛ از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

براساس این آیات، استفاده از نعمت‌های الهی هیچگونه منعی ندارد، آنچه که از آن نهی شده اسراف، پیروی از شیطان و مصرف مواهب الهی در موارد فساد انگیز است.

روایات معصومین (علیهم‌السلام)

روایات زیادی در این زمینه نقل شده که به خاطر رعایت کوتاه‌نویسی به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

دسته اول: تشویق به کار و تلاش برای بدست آوردن رزق حلال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسب رزق حلال را فریضه و برترین عبادت خوانده و فرموده است: «طلب رزق و روزی بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳-۱۹۸۳: ۹/۱۰۰).
نیز فرموده است: «عبادت هفتاد جزء دارد و بهترین آنها طلب رزق حلال است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷۸/۵).

امام صادق علیه السلام فرموده است:

به هر کس از دوستان خود رسیدید، سلام برسانید و بگویید جعفر بن محمد علیه السلام به شما سلام می‌رساند و می‌گوید بر شما باد رعایت تقوای الهی و انجام دادن هر کاری که می‌توان با آن به پاداش‌های خداوند رسید. به خدا سوگند که شما را جز به چیزی که به خود فرمان می‌دهیم، فرمان نمی‌دهیم. پس به کوشش و تلاش پردازید. چون نماز صبح گزاردید، هر چه زودتر در پی روزی روانه شوید و خواستار روزی حلال باشید و بدانید که خدای بزرگ، روزی شما را می‌دهد و کمک تان می‌کند (کلینی، همان: ۷۸-۷۹/۵).

در روایت دیگر خطاب به هشام می‌فرماید: «ای هشام! اگر دیدی که دو گروه با هم در حال جنگ اند، در چنین روزی نیز طلب رزق را ترک نکن» (کلینی، همان).
صدوق از عالم علیه السلام روایت کرده که فرموده است: «برای دنیای خود چنان تلاش کن که گویا تا ابد زنده هستی و برای آخرت چنان عمل کن که گویا فردا خواهی مرد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۵۶/۳).

دسته دوم: ستایش و تمجید از کارگر

انس بن مالک می‌گوید:

روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از غزوه تبوک باز می‌گشت، سعد بن معاذ انصاری، به استقبال آن حضرت شتافت و با پیامبر صلی الله علیه و آله دست داد. حضرت فرمود: چه باعث شده که دست‌هایت این‌گونه سفت و پینه بسته است؟ جواب داد: با بیل برای کسب نفقه خانواده‌ام کار می‌کنم. حضرت دست وی را بوسید و فرمود: این دست هرگز آتش جهنم را حس نمی‌کند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۷۲/۳).

امام صادق علیه السلام فرموده است: «کسی که تلاش می کند از راه حلال معیشت خانواده خود را فراهم کند، همانند مجاهد در راه خداست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۸/۵).

دسته سوم: نکوهش افراد بیکار و تنبل

در مذمت افرادی که برای کسب روزی حلال تلاش نمی کنند، روایات بسیاری وارد شده و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «از رحمت خدا بدور است، از رحمت خدا به دور است آنکه نفقه خوران خویش را ضایع گذارد و به آنها و نیازشان نرسد» (کلینی، همان).

علی علیه السلام می فرماید: «آن گاه که اشیاء جفت شوند تنبلی و کم کاری با هم جفت گردند و فقر تولد یابد» (ریشه‌ری، ۱۴۱۶: ۳/۲۴۴۷).

امام باقر علیه السلام فرموده است: «من مردی را که در کار دنیایش تنبل باشد، مبعوض می دارم. کسی که در کار دنیا تنبل باشد، در کار آخرتش تنبل تر است» (کلینی، همان: ۸۵/۵).

امام صادق علیه السلام فرموده است: «برای شخص همین گناه بس که اهل و عیال خود را ضایع نگهدارد و مخارج آنها را نرساند» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۱۶۸).

در روایت دیگر می فرماید: «از ما نیست کسی که دنیای خود را به خاطر آخرتش یا آخرتش را به خاطر دنیایش رها کند» (صدوق، همان: ۱۵۶).

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «خداوند دشمن بنده‌ای است که زیاد می خوابد و بیکار است» (صدوق، همان: ۱۶۹).

دسته چهارم: مذمت فقر

فقر سرچشمه بسیاری از فسادهاست، به همین دلیل در روایات مورد مذمت قرار گرفته و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را اینگونه توصیف کرده است: «ممکن است فقر به کفر منجر شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۰۷).

نیز آن حضرت فرموده است: «فقر روسپاهی در دنیا و آخرت است» (احسایی، ۱۴۰۵: ۱/۴۰۴۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرفات دعا فرمود: «پروردگارا! از فقر و تنگدستی به تو پناه می برم» (کلینی، پیشین: ۴/۴۶۴).

چنین دعایی از امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز روایت شده است (کلینی، همان: ۵۲۵/۲؛ ۱۶۷/۵؛ منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۰۳).
امام علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: «پسرم! من بر تو از فقر بیمناکم؛ پس، از آن به خدا پناه بر که فقر مایه نقص دین، سرگشتگی عقل و پدیدآورنده دشمنی است (نهج البلاغه: ۴۷۲).

امام صادق علیه السلام فرموده است: «بی نیازی ای که ترا از ظلم بازدارد بهتر از فقری است که ترا بر گناه وادارد» (کلینی، پیشین: ۷۲/۵).
مرحوم محمد تقی مجلسی، در ذیل این روایت گفته: «غالباً فقیر وقتی نتواند رزق خود را از طریق حلال بدست آورد آن را هرگونه که بتواند از محرمات بدست می آورد؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «الفقر سواد الوجه فی الدارین و کاد الفقر أن یكون کفراً» (مجلسی، ۱۴۰۶: ۴۴۸/۶).

طلب رزق در دعاهای معصومین علیهم السلام

حضرات معصومین علیهم السلام در دعاهایشان همواره افزایش اموال و گشایش در رزق و روزی خود را از خداوند درخواست می کرده اند و به دیگران نیز تعلیم می دادند که چگونه از خداوند برای وسعت رزق خود دعا کنند. قطب راوندی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرموده از جمله دعاهای پدران آن حضرت این دعا بوده است: «خدایا! از بخشش گسترده و فراوان و شایان تو خواستار روزی بسنده، حلال و پاکیزه ام، که برای دنیا و آخرتم کفایت کند و گوارا باشد» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۹۷/۹۲).

معاویه بن عمار گوید از حضرت صادق علیه السلام خواش کردم که دعائی برای روزی به من بیاموزد. حضرت دعائی به من آموخت که بهتر از آن دعائی برای جلب روزی ندیدم، فرمود بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا
بَلَاغًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَبًا هَنِئًا مَرِيئًا مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مِنْ أَحَدٍ
خَلَقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ
فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى أَسْأَلُ (کلینی، ۱۴۰۷:

۲ / ۵۵۱-۵۵۰؛ خدایا به من از فضلِ بیکران و حلال و پاکِ خود روزی بده، روزیِ ای فراوان و حلال و پاک، که در دنیا و آخرت بکار آید، فرو ریز، فرو ریز، گوارا و خوش‌گوار، بی‌رنج و منت از کسی جز از فضلِ بی‌شمار خودت، زیرا تو فرمودی: از خداوند از فضلِ او بخواهید. من از فضلت خواستارم و از عطایت خواستارم و از دست پرت خواستارم.

شایان ذکر است که دعا باید در ضمن کار و تلاش باشد و گرنه دعای کسی که برای رزق خود زحمتی نمی‌کشد، قبول نخواهد شد. عمر بن یزید به امام صادق (ع) عرض کرد که مردی می‌گوید در خانه خود می‌نشینم، نماز می‌خوانم، روزه می‌گیرم و خدای خویش را عبادت می‌کنم؛ اما روزی من می‌رسد. امام صادق (ع) فرمود: «این یکی از آن سه دسته ای است که دعایشان مستجاب نمی‌گردد» (کلینی، همان: ۷۷/۵).

ائمه (ع) نیز فقط به دعا اکتفا نمی‌کردند، بلکه ضمن دعا برای زیاد شدن روزی، هم خودشان تلاش می‌کردند و هم دیگران را به کار و کوشش برای به دست آوردن رزق حلال ترغیب می‌نمودند.

سیره معصومین (ع) در کسب رزق حلال

پیشوایان معصوم (ع) برای تأمین ضروریات زندگی خود شخصا تلاش می‌کرده‌اند. عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

محمد ابن منکدر می‌گفت خیال نمی‌کردم علی بن الحسین بتواند جانشینی مانند خود در علم بگذارد تا خدمت فرزندش محمد بن علی رسیدم خواستم او را پند دهم او مرا پند داد. دوستانش گفتند چگونه تو را موعظه کرد. گفت در شدت گرما رفتم به خارج مدینه محمد بن علی را که مردی فربه بود و تکیه به دو غلام خود داشت دیدم، با خود گفتم شخصی از بزرگان قریش در چنین ساعتی با این حال در جستجوی دنیاست بخدا قسم او را موعظه خواهم نمود. پیش رفته سلام کردم، با نفس بریده در حالی که از شدت خستگی عرق می‌ریخت، جواب مرا داد. عرض کردم آقا شخصیتی بزرگ از خاندان قریش در چنین ساعتی با این حال باید در

طلب دنیا باشد اگر مرگ شما را در این حال فرا گیرد چه خواهید کرد؟ خود را از دو غلام جدا نمود و تکیه کرده گفت بخدا سوگند اگر مرگ مرا در این حال فرا گیرد، من در حال انجام یک وظیفه دینی هستم که خود و خانواده‌ام را از نیاز پیدا کردن به تو و مردم نگهداشته‌ام، ترس موقعی است که مرگ فرا رسد و مشغول معصیت خدا باشی. عرض کردم آقا من می‌خواستم شما را نصیحت کنم، مرا پند دادی (کلینی، همان: ۷۴-۷۳).

عبدالاعلی آزاد شده آل سام گفت در بعضی از راه‌های مدینه حضرت صادق (علیه السلام) را ملاقات کردم، روز بسیار گرمی بود عرض کردم فدایت شوم با مقام ارجمندی که نزد خدا داری و خویشاوندی با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)، اینگونه خود را در چنین روز گرمی بزحمت انداخته‌ای؟! فرمود ای عبدالاعلی به جستجوی روزی بیرون شدم تا از مثل تویی نیاز باشم (کلینی، همان: ۷۴).
علی بن ابی حمزه از پدرش نقل می‌کند که گفت:

امام کاظم (علیه السلام) را دیدم که در زمین کشاورزی خود کار می‌کرد و عرق می‌ریخت. عرض کردم: قربانت گردم! پس کارگران کجا هستند؟ فرمود: ای علی! بهتر از من و پدرم در این زمین با بیل کار می‌کردند. عرض کردم: آنان را معرفی نما. حضرت فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و پدرانم همه با دست خود کار می‌کردند. کشاورزی شغل پیامبران خدا و جانشینان آنان و مردان شایسته است (کلینی، همان: ۷۶-۷۵).

حکم عقل

عقل به روشنی درک می‌کند که کسب ثروت برای برخوردار بودن از زندگی شرافتمندانه، پیشبرد برنامه‌ها و رسیدن به اهداف، یک ضرورت است و در نقطه مقابل، بسیاری از ناملازمات و گرفتاری‌ها از فقر و تنگدستی نشأت می‌گیرد. براساس همین درک عقلی، آدمیان با کار و حرفه آموزی و پرداختن به صنایع و مشاغل گوناگون تلاش می‌کنند تا درآمد بیشتری داشته باشند.

دیدگاه اندیشمندان مسلمان

فقیهان و اندیشمندان مسلمان با توجه به آموزه‌های دینی، هیچ‌گاه کسب ثروت را مذموم ندانسته و مردم را به اجتناب از آن توصیه نکرده‌اند. استاد مطهری (رحمه الله) در باره مال و ثروت فرموده است:

ممکن است کسی بیندازد که اسلام اساساً ثروت را مطرود و به عنوان یک امر پلید و دور انداختنی می‌شناسد ... جواب این است که اشتباه بزرگی است این اشتباه؛ در اسلام هیچ وقت مال و ثروت تحقیر نشده است، نه تولیدش، نه مبادله اش، نه مصرف کردنش، بلکه همه اینها تأکید و توصیه شده است و برای آنها شرایط و موازین مقرر شده است و هرگز ثروت از نظر اسلام دور افکندنی نیست بلکه دور افکندنش (اسراف، تبذیر، تضییع مال) حرام قطعی است (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۸-۱۷).

برخی فقیهان طلب رزق حلال را برای کسی که محتاج است و راه دیگری برای تأمین مخارج و نیازهای زندگی خود ندارد واجب دانسته اند (حلی، ۱۴۱۴: ۱۲/۱۲۵). تلاش فقهاء همواره این بوده است که مبانی و احکام بدست آوردن مال و ثروت حلال را بیان کنند. به همین جهت بخش زیادی از مباحث فقهی به انواع مشاغل، معاملات و بطور کلی فعالیت هایی که برای مردم نفع اقتصادی دارند، اختصاص یافته است. این اهتمام، نشاندهنده نقش حیاتی ثروت در زندگی بشر است.

نتیجه مطالبی که تا اینجا بیان شد این است که اصلاح نگرش نخستین مسأله‌ای مهم نسبت به کسب ثروت است و بر اساس دیدگاه سوم که مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌باشد، اساسی‌ترین فلسفه کسب ثروت، تأمین رزق حلال، انفاق در راه خدا و رسیدن به سعادت اخروی است.

ب) آموختن احکام شرعی کسب ثروت

هر نوع فعالیتی که آدمیان از طریق آن کسب ثروت می‌کنند دارای حکمی از احکام است. بدین جهت، احکام شرعی از اساسی‌ترین مبانی کسب ثروت حلال به شمار می‌روند. در بخشی از روایت تحف العقول که در وسائل الشیعه هم نقل شده و شیخ انصاری در ابتدای مکاسب به آن استناد نموده آمده است که از امام صادق (ع) در مورد معاملات مردم سؤال شد، آن حضرت فرمود: «تمام راه‌های معیشت از انواع معاملات که وسیله‌ای کسب و سود بردن آنهاست چهار گونه اند که همه آنها از جهتی حلال و از جهتی حرام است» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۸۳).

در روایت فوق همه شغل‌ها را در چهار عنوان که عبارتند از: ولایت، تجارت، اجارات، صناعات به شکل جامع بیان کرده بگونه‌ای که تمامی کسب و کارها در ذیل یکی از عناوین

مذکور قرار می گیرند و با استفاده از معیارهای ذکر شده در روایت می توان موارد حلال و حرام را تشخیص داد.

در رابطه با دانستن احکام شرعی شغل های مختلف مطالب ذیل قابل توجه است:

۱. وجوب آموختن احکام شرعی کسب ثروت

یقین داریم که شماری از مشاغل حرام اند و حرمت آنها، هر نوع فعالیت اعم از سرمایه گذاری، کار و تولید، حمل و نقل، خرید و فروش و هر گونه تصرفی را شامل می شود. بر این اساس یادگیری و آموختن احکام شرعی کسب و کارها به جهات ذیل واجب و اجتناب ناپذیر است:

اول: اطمینان از حلال بودن مال

خداوند متعال در قرآن کریم بطور مکرر مردم را بر خوردن مال حلال فرمان داده، چنانکه در آیات ذیل فرموده است: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده: ۸۸)؛ و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید، و از [مخالفت] خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای شیطان پیروی نکنید چه اینکه او دشمن آشکار شماست.

دوم: احتمال کسب مال حرام

اگر انسان احکام کسب و کارها را نداند احتمال قوی می رود که در جریان فعالیت های اقتصادی مال حرام کسب نماید و در نتیجه اکل مال به باطل مصداق پیدا کند که خداوند در آیات متعدد از آن نهی فرموده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره: ۱۸۸)؛ و در میان خودتان اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) نخورید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.

یکی از مصادیق اکل مال به باطل رباخواری است که خداوند متعال در مورد آن فرموده است: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده است: «هر کس بدون علم (به احکام معاملات) به تجارت مشغول شود در ربا فرو رود و باز فرو رود» (یعنی پیاپی گرفتار شود) (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۴/۵). در روایت دیگر آن حضرت خطاب به تاجران و کاسبان فرموده است: «ای صنف تاجر و کاسب! اول فقه بعد تجارت! اول فقه بعد تجارت! که به خدا سوگند، "ربا" در این امت پوشیده‌تر از راه رفتن مورچه بر روی سنگهای صاف است ... تاجر فاجر است و فاجر در آتش، مگر کسی که حق را بستاند و حق را اعطا کند (کلینی، همان: ۱۵۰). با توجه به قوی بودن احتمال ربا در معاملات، شیخ انصاری می‌گوید: «وجوب تفقه بر تاجر عقلا و شرعا واجب است» (دزفولی، ۱۴۱۵: ۳۴۰/۴).

سوم: ادا کردن حقوق مالی

خداوند متعال در آیات متعدد قرآن شریف از جمله در آیه ذیل مؤمنان را فرمان می‌دهد که از اموال خود در راه خدا انفاق کنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِأَخْذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (بقره: ۲۶۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمتهای پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمتهای ناپاک نروید در حالی که خود شما (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید؛ مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است.

برخی از فقهاء در ذیل این آیه گفته‌اند: «... کسی که در کسب، فرق حلال و حرام را نداند، نمی‌تواند از اعمال خبیث اجتناب نماید و به انفاق از درآمد پاکیزه اطمینان پیدا کند» (مفید، ۱۴۱۳: ۵۹۰؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۴۲/۲).

شیخ انصاری ظاهر عبارت شیخ مفید را که در ذیل آیه بیان داشته دال بر وجوب دانسته، آنگاه خودش نیز می‌گوید: «معرفت حلال و حرام نسبت به امور مبتلابه بر هر فردی واجب است» (دزفولی، ۱۴۱۵: ۴/۳۳۸).

سکونی از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «از رسول خدا (ص) سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را کشت نموده، پرورش داده و هنگام درو حق آن را پرداخته باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۲۶۰).

نتیجه آنکه دانستن احکام شرعی برای استفاده حلال از نعمت‌های خداوند، دورماندن از آلودگی و حرام در کسب ثروت و عمل به وظیفه در ادای حقوق مالی و انفاق در راه خدا، ضروری است

۲. رعایت معیارهای اخلاقی کسب ثروت

در کارها و فعالیت‌های اقتصادی علاوه بر احکام شرعی، رعایت معیارهای اخلاقی نظیر: امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار؛ منع دزدی، خیانت، رشوه و ... نیز لازم است. این معیارها چنانکه استاد مطهری فرموده: «در زمینه ثروت است و یا قسمتی از قلمرو این مفاهیم، ثروت است» (مطهری، بی‌تا: ۲۰/۴۰۲).

رسول خدا (ص) فرموده است:

هر کس خرید و فروش می‌کند باید پنج امر را در نظر بگیرد و مواظب باشد تا به وبال آن مبتلا نگردد و الا نه بخرد و نه بفروشد: ربا، سوگند، پنهان نمودن عیب متاع، تعریف جنس مورد معامله هنگام فروش و پست کردن آن هنگام خرید (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۱۵۱-۱۵۲).

امیرالمؤمنین (ع) نیز فرموده است: «خداوند متعال صاحب حرفه ای مورد اعتماد را دوست می‌دارد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۱۵۸).

امام صادق (ع) در باره کیفیت کار فرموده است:

تلاش تو در راه کسب معاش باید بیش از مسامحه‌گری باشد که بر اثر سستی حق کار را ضایع کرده است و کمتر از کسی که آزمند و دل بسته به دنیا است؛ حریص و

فرومایه‌ای که به جای تمام فضائل انسانی و تعالی معنوی تنها به دنیای خویش دلگرم و مسرور است و با وجود آن خود را مطمئن و آرام احساس می‌نماید. بنابراین خود را در موضع شخصی قرار ده که دارای انصاف و آبروست، خویشتن را بالاتر از موضع کسی بدان که بیکاره و ناتوان است و آنچه را که برای مؤمن لازم است تحصیل کن» (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/۳۲۲).

در روایت دیگر از آن حضرت آمده است: «هر صاحب صنعتی احتیاج به سه چیز دارد که بوسیله آن کاسبی خود را روبراه کند: در کار خود استاد باشد؛ در کار خود امانت‌دار باشد. با کارگر خود مهربان باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳-۱۹۸۳: ۷۵/۲۳۶).

متأسفانه امروزه خیانت، دروغگویی، عمل نکردن به تعهدات، تقلب در معاملات و امثال اینگونه کارهای مذموم در میان مردم بسیار رایج است، به همین علت اعتبار و اعتماد اجتماعی به حد اقل ممکن رسیده، آنچنان که کمتر کسی را می‌توان یافت که به آسانی به دیگران اطمینان کند. بنابراین، یکی از مبانی کسب ثروت رعایت احکام شرعی و موازین اخلاقی است که البته نیاز به فرهنگ سازی، تعمیق اعتقادات و بالابردن معرفت دینی مردم دارد.

ج) راه‌های کسب ثروت

راه‌ها و روش‌های بدست آوردن مال نیز از مهمترین مبانی کسب ثروت به شمار می‌روند. به همین دلیل در آموزه‌های اسلامی رهنمودهای بسیاری در رابطه با کسب ثروت وجود دارد که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. کار و تلاش مفید

یکی از مهمترین راه‌های کسب ثروت حلال، کار و تلاش مفید و سازنده است، بدین معنا که هر فرد با توجه به توانایی، تجربه، تخصص، سرمایه و امکاناتی که در اختیار دارد به فعالیت‌هایی پردازد که ضمن کسب درآمد، در برآوردن نیازهای واقعی مردم کارساز و سودمند باشد. در این باره می‌توان به دلایل ذیل استناد جست:

آیات قرآن

آیات قرآن را می‌توان بر چند دسته تقسیم بندی کرد. در بعضی آیات بصراحت انسانها بر کار و کوشش برای بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند فرمان داده شده‌اند. بطور نمونه در آیات ذیل فرموده است:

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹)؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ، وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا، لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (جمعه: ۱۰)؛ هنگامی که نماز به پایان رسد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا روزی بخواهید و خدا را فراوان یاد کنید، شاید رستگار شوید. در بخشی از آیات از مشاغلی مانند صید کردن، بیع، تجارت، کشت و زرع، چوپانی و گله‌داری و ... نام برده شده که جزو مفیدترین شغلها به شمار می‌روند بگونه‌ای که قوام و نظام زندگی فردی و اجتماعی به آنها بستگی دارد.

در پاره‌ای دیگر از آیات به موضوعاتی اشاره شده است که با شغل و کار تلازم دارند. مثل آیات ذیل که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹)؛ او خدایی است که همه آنچه را (از نعمتها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف: ۱۰)؛ ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم. در مجموع اینگونه آیات بر این مطلب دلالت دارند که هیچ چیز بصورت آماده و راحت در اختیار بشر قرار داده نشده و استفاده از مواهب الهی مستلزم تلاش و کوشش و تهیه ابزار کار و تولید است.

۲. تدبیر و اتخاذ روشهای بهتر برای کسب ثروت

کار و فعالیت باید با تدبیر و برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و سنجش نیازمندی‌های واقعی همراه باشد، که در این صورت روی آوردن به مشاغل کاذب و کارهای ناسالم و غیر مفید کاهش

خواهد یافت. گزینه‌های ذیل از مهم‌ترین مصادیق تدبیر و دوراندیشی برای کسب ثروت و درآمد پایدار است:

۲-۱. علم آموزی و کسب تخصص

در آموزه‌های اسلام بر کسب علم بسیار تأکید شده است. پیامبر ﷺ فرموده است: «طلب دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (احسائی، ۱۴۰۵: ۷۰/۴).

سرخسی از علمای اهل سنت به استناد روایت فوق، طلب علم را قویترین فرائض بعد از ایمان به خدا دانسته است (سرخسی، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶: ۲/۱).

در حدیث دیگر می‌فرماید: «طلب علم در نزد خداوند بهتر از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدای بلند مرتبه است» (ریشه‌ری، ۱۴۱۶: ۲۰۶۸/۳).

در اینجا توجه به این مطلب حائز اهمیت است که از میان دانش‌ها و علوم گوناگون، باید براساس نیازها در هر زمینه و موضوعی، علمی متناسب با آن فراگرفته شود. بطور مثال برای دانستن احکام شرعی مسائل مختلف از جمله فعالیت‌های اقتصادی، آموختن علم فقه لازم است؛ اما در عرصه‌های دیگر مانند ساخت ابزار تولید و ماشین‌آلات، استخراج منابع زیر زمینی، تولید دارو و تجهیزات پزشکی، کشتی‌سازی، وسایل حمل و نقل و صنایع گوناگون دیگر باید علوم تجربی را فراگرفت؛ زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «دانش بیشتر از آن است که شمرده شود، پس، از هر چیز (دانش یا جز آن) نیکوترین آن را فراگیر» (مجلسی، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳: ۲۱۹/۱).

علی‌علیه السلام هم فرموده است: «علم و دانش بیش از مقداری است که قابل احاطه باشد، پس، از هر علمی بهتر و شایسته‌ترش را فرا گیرید» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶).

اگر به این دستور پیامبر ﷺ خوب توجه کنیم که فرموده است: «دانش را فراگیرید ولو در چین باشد» (احسائی، همان: ۷۰/۴)؛ پی خواهیم برد که منظور پیامبر ﷺ علوم مورد نیاز جامعه بوده است نه فقط علم فقه، زیرا در چین آن زمان (که در این زمان نیز)، از علوم اسلامی خبری نبوده است تا پیامبر ﷺ فراگیری آن را به مسلمانان توصیه کند. پس منظور

آن حضرت علومی بوده که مشکلات مردم را حل کند و به کمک آن‌ها گرفتاری‌های آنان برطرف شود. بطور نمونه اگر کسی در چین برود و علم پزشکی را یاد بگیرد و بیماریها را مداوا کند و یا شیوه استخراج ذخایر معدنی را فراگیرد و بدین وسیله فقر و محرومیت را از جامعه اسلامی ریشه کن نماید، بدون شک علوم نافع را فراگرفته است. پس، هدف پیامبر ﷺ، جز این نبوده است که مسلمانان با یادگیری دانش‌ها و مهارت‌های مختلف مشکلات جامعه اسلامی و انسانی را حل کنند. در دنیای معاصر مسلمانان به دلیل عقب ماندگی و احتیاج و درماندگی، بواسطه کشورهای پیشرفته و صنعتی تحقیر می‌شوند. کشورهای قوی به خاطر پیشرفت در علم و تکنولوژی خواسته‌های خود را بر مسلمانان تحمیل می‌کنند. بنابراین، تنها راه برون رفت از مشکلات بی‌شمار بخصوص در زمینه اقتصاد، فراگیری دانش‌های مفید، پیشرفت در صنعت، رونق گرفتن تولید و کسب و کار و فراهم آوردن رفاه و ثروت برای عموم مردم است. برخی کشورها با آن که معادن و ذخایر ارزشمندی دارند، اما از محرومیت و گرسنگی رنج می‌برند. دلیلش فقر علمی و نداشتن نیروی متخصص است که نمی‌توانند از منابع خدا دادی خود بهره‌برداری کنند. در مقابل، کشورهای پیشرفته و صنعتی با نیروی علم و تربیت افراد متخصص و خبره توانسته‌اند برای مردمان خود رفاه و آسایش به ارمغان آورند.

بنابراین با دانش اندوزی و فراگرفتن علم مفید هم می‌توان ثروت بیشتری بدست آورد و هم نیازهای مختلف مردم را برآورده ساخت. بدون بهره‌گیری از علم و دانش تجربی مشکل اقتصادی و چالش‌های ناشی از آن برطرف نمی‌شود و نتیجه‌اش این خواهد بود که مسلمانان در ساده‌ترین چیزها دست نیاز بسوی بیگانگان دراز کنند.

۲-۲. حرفه آموزی و کسب تجربه

ممکن است برای همه افراد جامعه شرایط تحصیل علم و کسب تخصص میسر نباشد، اما این امکان برای بیشتر مردم وجود دارد که بر حسب علاقه و متناسب با توانایی‌شان در هر

زمان بصورت تجربی حرفه ای را یاد بگیرند و از این طریق درآمد بیشتری بدست آورند. تجربه ثابت کرده که افراد دارای حرفه و مهارت، نسبت به کسانی که هیچ گونه مهارتی ندارند و اتکاء آنان به درآمدهای ناپایدار است از زندگی بهتر و رفاه بیشتری برخوردارند. لذا، در اسلام تأکید شده که افراد باید حرفه ای را یاد بگیرند. ابن عباس روایت کرده که هرگاه پیامبر خدا ﷺ به کسی نگاه می کرد و از او خوشش می آمد، می فرمود: «شغلی هم دارد؟ اگر می گفتند: نه، می فرمود: از چشمم افتاد. عرض می شد: چرا ای رسول خدا؟! می فرمود: زیرا اگر مؤمن حرفه ای نداشته باشد دین خود را وسیلهٔ امرار معاشش می کند» (مجلسی، ۱۴۰۳-۱۹۸۳: ۹/۱۰۰).

آن حضرت در روایت دیگر می فرماید: «خداوند متعال بنده مؤمن دارای حرفه را دوست دارد» (متقی هندی، ۱۴۰۹-۱۹۸۹: ۴/۴).

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز فرموده است: «خداوند متعال صاحب حرفه ای مورد اعتماد را دوست می دارد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۵۸/۳).

۳-۲. انتخاب شغل

انتخاب شغل از جهات مختلف حائز اهمیت است؛ اما مشاغل گوناگون از لحاظ حکم شرعی، درآمدزایی، سهولت، مفید بودن و دیگر شاخص ها یکسان نیستند. از طرف دیگر تحولات سریع، افزایش جمعیت، تخصصی شدن مشاغل، کساد بودن بازار کار و مسائلی از این دست انتخاب شغل را برای بسیاری از مردم دشوار ساخته است. افراد بیکار شغل دلخواه خود را نمی یابند و از سر ناچاری به مشاغل کاذب و ناروا روی می آورند. عده ای از مردم هم به خاطر طمع ورزی و انگیزه ثروت اندوزی کارهای نامشروع مانند قاچاق کالا، فروش مواد مخدر، احتکار، تقلب در معاملات و مواردی از این قبیل را پیشه ای خود قرار می دهند.

با توجه به چالش های موجود، لازم است گزینش شغل براساس معیارهایی صورت گیرد که در شرع اسلام بیان شده است. مهمترین ملاکهای انتخاب شغل از دیدگاه فقهی عبارتند از

انطباق با احکام شرع، منفعت محله داشتن، مفسده نداشتن و سازگار بودن با نیازهای واقعی جامعه که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شوند:

معیار اول: انطباق با احکام شرعی

اساسی ترین معیار یک شغل در درجه اول آن است که حلال باشد، نه حرام؛ بطور نمونه در روایت تحف العقول راجع به بخشی از صنایع حلال گفته شده است: «هرگونه صنعتی که بندگان فراگیرند یا به دیگران آموزش دهند از قبیل: نویسندگی، حسابداری، بازرگانی، زرگری، زین سازی، ساختمان [سازی]، بافندگی، لباسشویی، دوزندگی، ساختن انواع صورتهای و جز صورتگری از جانداران، ساختن انواع ابزار و آلاتی که مورد نیاز بندگان است و برای آنان سودآور و مایه ماندگاری و راحتی زندگانی است، ساختن و آموختن و به اجرا درآوردن همه اینها برای خود یا دیگری، حلال است...» ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۳۳۵).

در ادامه روایت تحف العقول در باره صنعت‌های حرام آمده است:

... خداوند صناعاتی را حرام کرده که دارای فساد محض اند (یعنی هیچ مصلحتی در آنها یافت نمی‌شود) مثل ساختن ابزار آلات موسیقی نظیر برابط و مزامیر و شطرنج و آنچه مایه لهو است و نیز ساختن صلیب‌ها و بت‌ها و هرچه که به اینها شباهت دارد. پس، آموزش دادن، ساختن و اجرت گرفتن بابت آن و هرگونه فعالیت دیگر از جمیع جهات (مانند حمل و نقل، نگهداری، خرید و فروش و مواردی از این قبیل) حرام است (ابن شعبه، همان).

با توجه به آنچه که در روایت بیان شده شاخص اصلی مشاغل حلال که شارع مقدس آنها را تجویز کرده این است که نظام زندگی و حیات مردم وابسته به آنهاست و در مقابل، شغل‌های حرام که کسب ثروت از طریق آنها در شرع اسلام منع شده دارای مفسده و موجب اخلال در نظم و جریان زندگی مردم است، بنابراین، در انتخاب شغل باید ابتدا به حلال و حرام بودن آن توجه شود.

معیار دوم: منفعت محلله داشتن

یکی از مباحثی که در منابع فقهی مورد بحث قرار گرفته اکتساب به اعیان نجسه است. مصادیق این مسأله که در کتابهای فقهی ذکر شده عبارتند از: خرید و فروش بول غیر مأکول اللحم، بیع فضولات نجسه، معاوضه خون، بیع منی، معاوضه میتة، خرید و فروش خمر و معاوضه اعیان متنجسه که قابل تطهیر نباشند. حرمت موارد مذکور مستند به روایات و اجماع است و یکی از دلایل که می‌توان آن را به عنوان یک معیار فقهی در موارد دیگر نیز قابل تعمیم دانست، منفعت محلله نداشتن آنهاست. شیخ انصاری^۱ در مورد حرمت خرید و فروش بول گفته است: «یحرم المعاوضة على بول غير مأكول اللحم بلا خلاف ظاهر، لحرمة، و نجاسته، و عدم الانتفاع به منفعة محللة مقصودة» (دزفولی، ۱۴۱۵: ۱/۱۷).

درباره حرمت میتة آورده است: «تحرم المعاوضة على الميتة ... و يدل عليه مضافا إلى ما تقدم من الأخبار ما دل على أن الميتة لا ينتفع بها» (دزفولی، همان: ۳۱). ملاک عدم انتفاع محلله مقصوده بصورت یک ضابطه برای عدم جواز در کلمات بسیاری از بزرگان دیده می‌شود. بنابراین، کسب درآمد از هر چیزی که منفعت محلله نداشته باشد، جایز نیست.

معیار سوم: مفسده نداشتن

برخی از فقها، عدم جواز تکسب به اعیان نجسه را دایر مدار عدم منفعت ندانسته و گفته اند، اگر اعیان نجسه منفعت محلله هم داشته باشند، باز هم تکسب به آنها حرام است:

ولا يدور حرمة بيعها والتكسب بها مدار عدم المنفعة، بل يحرم ذلك ولو كانت لها منفعة محللة مقصودة كالتسميد في العذرة (اصفهانی، ۱۴۲۲: ۳۱۸). علت عدم جواز، فسادآور بودن آنهاست. در روایت ذیل آمده است: «أما وجوه حرام از خرید و فروش و هر امری فساد آور که از آن نهی شده، از جهت خوردن و آشامیدن، کسب کردن، ازدواج کردن، مالک شدن، نگاه داشتن، بخشیدن، به عاریت دادن، یا چیزی که در آن وجهی از وجوه فساد وجود دارد، همچون داد و ستد ربایی به سبب فسادى که در آن است، یا فروختن مردار، یا خون، یا گوشت خوک، یا گوشتهای درندگان یا مرغان وحشی، یا پوست آنها، یا شراب، یا چیزهای نجس، همه اینها حرام است و

تحریم شده است، زیرا خوردن و نوشیدن و پوشیدن و مالک شدن و نگاه داشتن یا بهره‌مندی از آنها به هر وجه که باشد، به سبب فسادى که در آنهاست، همه حرام است... (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۸۴).

این روایت نیز یک ملاک کلی را بیان می‌کند و بر هر چیزی که مفسده محض داشته باشد، قابل تطبیق است و کسب درآمد از طریق آن جایز نیست.

معیار چهارم: متناسب بودن شغل با نیازهای واقعی جامعه

شغل باید با نیازهای واقعی مردم متناسب داشته باشد، مانند کشاورزی، دام و طیور، صنایع، کارآفرینی، تجارت، خدمات و مشاغل از این قبیل که حیات و زندگی روزمره مردم وابسته به آنهاست. اگر در انتخاب شغل این معیار رعایت نشود، رقابت در کسب ثروت، جامعه را به سمت انحراف در فعالیت‌های اقتصادی سوق خواهد داد. استاد مطهری در باره هماهنگی میان شغل به عنوان منبع درآمد و نیازهای واقعی مردم می‌گوید:

معمولاً اقتصادپوین تمایلات و خواسته‌های بشر را ولو خواسته‌های مصنوعی و انحرافی، سرچشمه درآمد می‌دانند، ولی اسلام مسأله تقاضا را به هر نحو باشد سرچشمه درآمد مشروع نمی‌داند، خود تقاضاها را مشروع نمی‌داند و کنترل می‌کند و بعلاوه پاسخ گفتن به این تقاضاها را غیر مشروع می‌داند. ولی مادیون اقتصادی حتی تقاضای نامشروع مثل اعتیاد به مواد مخدر ایجاد می‌کنند تا راه درآمد خود را باز کنند. اینجاست که زیان انفکاک اقتصاد از اخلاق و معنویت روشن می‌شود (مطهری، بی‌تا: ۵۵۱/۲۰).

امروزه ایجاد تقاضای کاذب مثل اعتیاد به انواع مواد مخدر، مشروبات مسکر، انواع داروهای اعتیاد آور و... که هیچکدام جزو ضروریات زندگی انسانها به شمار نمی‌روند، یکی از راههای کسب ثروت است. استاد مطهری در باره زیانبار بودن تریاک و حرام بودن آن گفته است: «در زمان شارع، تریاک و اعتیاد به آن وجود نداشته است و ما در ادله نقلیه دلیل خاصی درباره تریاک نداریم اما به دلایل حسی و تجربی زیانها و مفسد اعتیاد به تریاک محرز شده است، پس ما در اینجا با عقل و علم خود به یک «ملاک» یعنی یک مفسده لازم الاحتراز در

زمینه تریاک دست یافته‌ایم. ما به حکم اینکه می‌دانیم که چیزی که برای بشر مضر باشد و مفسده داشته باشد از نظر شرعی حرام است حکم می‌کنیم که اعتیاد به تریاک حرام است (مطهری، بی‌تا: ۵۳/۲۰). در باره سیگار نیز فرموده است: «اگر ثابت شود که سیگار سرطان‌زا است یک مجتهد به حکم عقل حکم می‌کند که سیگار شرعاً حرام است (مطهری، همان: ۱۱۳). اگر استعمال تریاک و سیگار حرام است، پس، تهیه و خرید و فروش آنها و کسب درآمد از مشاغل مرتبط با آنها نیز به عنوان مقدمه حرام جایز نخواهد بود. بعلاوه، غالباً تریاک و سیگار از طریق قاچاق وارد می‌شوند که برخلاف مقررات دولت اسلامی است و فقهاء آن را حرام می‌دانند (شیرازی، ۱۴۲۷: ۱۹۵/۳). در یکی از استفتائات آمده است: «این جانب از راه بیکاری و ناچاری و به علت این که کار سنگین نمی‌توانم بکنم، دست به سیگار فروشی زده که آن هم سیگار خارجی یعنی سیگار وینستون می‌باشد، از شهرستان می‌خرم و به شهرستان دیگری می‌برم، یک لقمه نان برای زن و بچه‌ام تهیه کنم، آیا این کسب از نظر شرع اسلام برای من مباح است یا خیر؟ در جواب گفته شده است: «نظر به این که دولت اسلامی از قاچاق فروشی نهی کرده شما باید قاچاق فروشی نکنید و از مقررات دولت متابعت نمایید» (گلبایگانی، ۱۴۰۹: ۵۶۴/۱).

نتیجه این که با معیارهای ذکر شده می‌توان تمامی شغلها را مورد سنجش قرار داد و حکم به حریت یا حرمت آنها نمود. بطور مثال برخی از مصادیق مستحذیه‌ای شغل‌های حرام که در گذشته وجود نداشته عبارتند از تصاویر و فیلم‌های مستهجن، انواع مواد مخدر، داروها و قرص‌های اعتیادآور، مواد منفجره که در ایام سال نو عده‌ای به واسطه آن به خاک و خون کشیده می‌شوند، سگ‌های خانگی و هر چه که شبیه اینها باشد. بر این اساس کسب ثروت از طریق اینگونه مشاغل اعم سرمایه‌گذاری، تولید، نگهداری، حمل و نقل، خرید و فروش و هر نوع تصرف محتمل دیگر جایز نیست.

نتیجه

در این نوشتار مبانی فقهی کسب ثروت حلال مورد بررسی قرار گرفت و در این راستا به تجزیه

و تحلیل سه مبنای اساسی پرداخته شد. نخستین مسأله، "اصلاح بینش" نسبت به کسب مال و ثروت بود. با توجه به آنچه که در منابع اسلامی ذکر شده در این زمینه سه دیدگاه مطرح گردید: دیدگاه اول: بی اعتنایی و اهمیت ندادن به مال و ثروت

شماری از مردم با گرایش صوفیگری و میل به رهبانیت کسب ثروت را با زهد اسلامی در تنافی پنداشته و یا به دلیل اینکه خداوند رزق بندگان خویش را تضمین کرده کار و تلاش برای بدست آوردن روزی را لازم نمی‌شمارند.

دیدگاه دوم: سهل انگاری و بی‌پروایی در کسب ثروت
براساس این دیدگاه، مال اندوزی از هر راه ممکن و با هر انگیزه و روشی جایز شمرده می‌شود، مانند دزدی، قاچاق، احتکار، تقلب در معاملات و ... که شمار زیادی از این راههای نامشروع ثروت اندوزی می‌کنند.

این دو دیدگاه بدینصورت نقد گردید که هر دو بینش بی‌اعتنایی و بی‌پروایی در کسب ثروت، مستلزم فقر، رکود، فساد، ضعف اقتصاد جامعه اسلامی و ناهنجاریهای بی‌شمار دیگر است؛ از این رو، این دیدگاهها بکلی مردود و غیر قابل پذیرش اند.

دیگاه سوم: تأمین رزق حلال، کمک به فقرا و دست یابی به سعادت اخروی
طبق این دیدگاه هدف از کسب ثروت تأمین مخارج زندگی شرافتمندانه، دستگیری از نیازمندان و انفاق در راه خدا برای رسیدن به کمالات معنوی و سعادت اخروی است. این دیدگاه برآمده از آموزه‌های دینی و مورد تأیید شرع مقدس است.

دومین مبنای کسب ثروت حلال، رعایت احکام شرعی و معیارهای اخلاقی است، بدین معنا که هر نوع فعالیتی که انسان از راه آن کسب درآمد می‌کند دارای حکمی از احکام است. بنابراین، ثروت باید از راه حلال بدست آید نه حرام؛ افزون بر آن، در هر نوع فعالیت اقتصادی که انسان از طریق آن کسب درآمد می‌کند، معیارهای اخلاقی نظیر امانتداری، صداقت، پرهیز از دروغگویی و ... نیز باید رعایت گردد. التزام به این معیارها موجب می‌شود که بسیاری از چالش‌ها در مورد کسب ثروت برطرف گردد.

مسأله‌ای دیگر که به عنوان یک مبنای اساسی مطرح گردید، روشهای عملی کسب

ثروت حلال است. یکی از مهمترین راهها، کار و تلاش مفید و سازنده است، بدین معنا که هر فرد با توجه به توانایی، تجربه، تخصص، سرمایه و امکاناتی که در اختیار دارد به فعالیت هایی پردازد که ضمن کسب درآمد، در برآوردن نیازهای واقعی مردم نیز کارساز و سودمند باشد.

بهتر است که کار و تلاش برای بدست آوردن ثروت به شکل هدفمند انجام بگیرد و با تدبیر و اتخاذ روشهای بهتر همراه باشد مانند، علم آموزی و کسب تخصص، حرفه آموزی و کسب تجربه و نیز انتخاب شغل مناسب که در اسلام بر این موارد بسیار تأکید شده است. انتخاب شغل باید براساس ملاکهایی باشد که در شرع مقدس تعریف شده است. از دیدگاه فقهی مهمترین معیارهای انتخاب شغل مطلوب عبارتند از انطباق با احکام شرع مقدس اسلام، منفعت محله داشتن، مفسده نداشتن و سازگار بودن با نیازهای واقعی جامعه. با توجه به این معیارها، کسب ثروت از مشاغل حرام و فساد انگیز مانند قمار، تولید و خرید و فروش مواد مخدر، فیلمهای مستهجن، سگهای خانگی و هرچیزی که شبیه اینها باشد، حرام و نامشروع است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن حجر، احمد بن علی، الإصابه، تحقیق الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الشیخ علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعہ مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ ق.

احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللثالی العزیزیه، قم، دار سید الشهداء للنشر، اول، ۱۴۰۵ ه ق.

اصفہانی، سید ابو الحسن، وسیله النجاة (مع حواشی الإمام الخمینی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، قم، اول، ۱۴۲۲ ه ق.

تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، اول، ۱۳۶۶. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۴ ه ق.

خمینی، روح الله، توضیح المسائل (محشّی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعہ مدرسین حوزہ علمیه قم، هشتم، ۱۴۲۴ ه ق.

دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (ط - الحدیثه)، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، اول، ۱۴۱۵ ه ق.

راغب، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیه، اول، ۱۴۱۲ ه ق.

راوندی، قطب الدین، سعید بن عبد الله، فقه القرآن، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، دوم، ۱۴۰۵ ه ق.

ریشه‌ری، محمد، میزان الحکمه، دار الحدیث، اول، ۱۴۱۶.

سرخسی، ابوبکر محمد بن ابی سهل، المبسوط، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع،

۱۴۰۶ - ۱۹۸۶م.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام،
دوم، ۱۴۲۷ ه. ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳ ه. ق.

طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم،
دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۳۷۴ ش.

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم،
۱۴۰۷ ه. ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ه. ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ه. ق.

گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، مجمع المسائل، قم، دار القرآن الکریم، دوم، ۱۴۰۹ ه. ق.

متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ - ۱۹۸۹م.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفا، دوم،

_____، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الطبع والنشر، اول، ۱۴۱۰ ه. ق.

مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی

اسلامی کوشانبور، دوم، ۱۴۰۶ ه. ق.

مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، صدر، هفتم، ۱۳۷۷.

_____، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم، بی نا، بی تا، اول.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، اول،

۱۴۱۳ ه. ق.

منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیه السلام، الفقه - فقه الرضا، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول،

۱۴۰۶ ه. ق.

